

عرش تا عرش

www.ketab.ir

علی محمدشارنی



شرکت چاپ و نشرین الملل

سرشناسه	بشارتی، علی محمد، ۱۳۳۲ -
عنوان و نام پدیدآور	عرش تا عرش / علی محمد بشارتی
مشخصات نشر	تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری	۴۴۰ ص.
شابک	978-964-304-476-3
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	این کتاب قبلاً با عنوان از عرش تا عرش به چاپ رسیده است.
عنوان دیگر	از عرش تا عرش
موضوع	فاطمه زهرا (س) ۸۰ قبل از هجرت - ۱۱ ق - - سرگذشتنامه
موضوع	فاطمه زهرا (س) ۸۰ قبل از هجرت - ۱۱ ق - - فضایل
شاسه افزوده	سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
رده بندی کنگره	۱۳۹۰ الف ۵ پ ۲۷/۲ BP
رده بندی دیویی	۲۹۷/۹۷۳
شماره کتابشناسی ملی	۲۵۸۹۳۲۹

شرکت چاپ و نشر بین الملل

نام کتاب: عرش تا عرش
 مؤلف: علی محمد بشارتی
 نوبت چاپ: اول - زمستان ۱۳۹۰
 لیتوگرافی: الوان
 چاپ و صحافی: پژوهشگاه اندیشه
 شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه
 قیمت: ۶۹۰۰۰ ریال
 ویراستار: مؤسسه فرهنگی و هنری فرهیختگان
 صفحه آرا: مؤسسه فرهنگی و هنری فرهیختگان
 طرح جلد: علی سعیدی
 مسئول تولید: شریف شایسته
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۴-۴۷۶-۳

دفتر مرکزی:
 تهران: میدان استقلال
 سدی جنوبی - پلاک ۲ - طبقه سوم
 تلفن: ۰۲۱ - ۳۳۹۳۳۹۵۹
 نمابر: ۳۳۱۱۸۶۰۳

فروشگاه مرکزی:
 میدان فلسطین - ضلع شمال شرق، پلاک ۴ و ۵
 تلفن: ۰۲۱ - ۸۸۹۲۱۹۸۰
 نمابر: ۸۸۹۰۲۸۴۳

E-mail:
intpub@intlpub.ir
www.intlpub.ir

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، اقتباس در گیومه در مستندنویسی و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست

۱۷.....	مقدمهٔ چاپ سوم
۲۵.....	پیشگفتار
۲۹.....	۱. حضرت زهرا(س)؛ میزان خشم و خرسندی خداوند
۳۱.....	۲. میزان خشم و خرسندی خدا
۳۲.....	۳. بزرگ‌ترین عیب؛ نداشتن معرفت
۳۳.....	۴. منع نقل احادیث پیامبر اسلام(ص)
۳۴.....	۵. پاک کردن صورت مسئله
۳۵.....	۶. خانه‌نشین شدن علم
۳۵.....	۷. نهاده‌نشدن اسلام در میان مسلمانان
۳۶.....	۸. کشورگشایی‌های سیاسی
۴۱.....	۹. همه‌چیز فدای ولایت
۴۲.....	۱۰. اهداف کتاب
۴۳.....	۱۱. ویژگی‌های کتاب
۲۵.....	مقدمهٔ چاپ دوم
۴۷.....	فصل اول: علاقهٔ خدا به حضرت زهرا(س)
۵۰.....	۱. سخن پیامبر، سخن خداست
۵۲.....	۲. ترور پیامبر
۶۱.....	۳. گناهان نابخشودنی

۶۷.....	۴. آزر دگی های پیامبر
۶۷.....	۵. گلایه پیامبر از دشمنان دوست نما
۶۹.....	۶. خلاصه بحث
۷۳.....	فصل دوم: میلاد نور
۷۷.....	۱. درباره خدیجه
۷۸.....	۲. خدیجه باکره
۸۰.....	۳. قبل از تولد
۸۲.....	۴. قبل از حمل
۸۶.....	۵. تاریخ تولد
۸۹.....	۶. وقت زایمان
۹۳.....	فصل سوم: نام گذاری
۹۵.....	۱. نام های مقدس حضرت زهرا (س)
۹۵.....	۱.۱. صدیقه
۹۶.....	۱.۱.۱. صدیقین
۹۷.....	۲.۱. مبارکه
۹۸.....	۱.۲.۱. معنای درست کوثر
۱۰۰.....	۳.۱. ظاهره
۱۰۳.....	۴.۱. فاطمه (س)
۱۰۳.....	۵.۱. محدثه
۱۰۴.....	۱.۵.۱. دو زن بزرگوار
۱۰۶.....	۲.۵.۱. شخصیت بی نظیر حضرت زهرا (س)
۱۰۶.....	۳.۵.۱. تقدیم صورت مذاکرات
۱۰۸.....	۶.۱. راضیه و مرضیه
۱۰۸.....	۲. کنیه ها و القاب
۱۰۸.....	۱.۲. کنیه ها
۱۰۹.....	۲.۲. القاب

۱۱۵	فصل چهارم: پیامبر و زهرا(س)
۱۱۸	۱. عشق به اهل بیت، عشق به خداست
۱۱۸	۲. عشق و تعادل
۱۱۹	۳. سفاقت و سادگی
۱۱۹	۴. نابودی اسلام در دستور کار غاصبان و کودتاگران
۱۲۱	۵. ساده‌لوحی یا تعصب
۱۲۱	۶. اتحادیه‌های سست
۱۲۳	۷. وحدت در سایه توحید
۱۲۳	۸. سخنان پیامبر اسلام درباره حضرت زهرا(س)
۱۲۵	۹. پیامبر خدایی
۱۲۶	۱۰. حضرت زهرا(س) از دیدگاه پیامبر اسلام
۱۲۷	۱۱. سهل ممتنع
۱۲۸	۱۲. فاطمه(س) کیست؟
۱۲۹	۱۳. دیدگاه پیامبر درباره حضرت زهرا(س)
۱۲۹	۱.۱۳. میزان خشم و خرسندی خداوند
۱۳۰	۲.۱۳. شبیه‌ترین شخص به پیامبر
۱۳۰	۳.۱۳. پاره تن پیامبر
۱۳۱	۴.۱۳. امتیاز منحصر به فرد امیرالمؤمنین
۱۳۱	۵.۱۳. بهترین مردان و بهترین زنان
۱۳۲	۶.۱۳. تافته جدا بافته
۱۳۲	۷.۱۳. به‌خاطر حضرت زهرا(س)
۱۳۳	۸.۱۳. تزویج با برجسته‌ترین افراد و اولین مسلمان
۱۳۳	۹.۱۳. اتفاق بهترین اشیا در راه خدا
۱۳۴	۱۰.۱۳. اجازه خواستن پیامبر از حضرت زهرا(س)
۱۳۵	۱۱.۱۳. آخرین روزهای حیات پیامبر

فصل پنجم ازدواج ۱۳۷

۱. عجیب یا جالب؟ ۱۴۱

۲. خواستگاران ۱۴۵

۳. مهریه و صداق ۱۴۷

۴. بهترین بندگان خداوند ۱۵۰

۵. خطبه عقد ۱۵۲

۶. مهریه ۱۵۳

۷. تصحیح یک اشتباه ۱۵۴

۸. جهیزیه حضرت زهرا(س) ۱۵۵

۹. نکته‌ای مهم و اساسی ۱۵۷

۱۰. نه افراط نه تفريط ۱۵۸

۱۱. ولیمه عروسی ۱۵۹

۱۲. دعوت عمومی برای ولیمه ۱۶۰

۱۳. مراسم ازدواج در دهه دوم آبان‌ماه ۱۶۱

۱۴. رفتار پدران و بزرگوارانه پیامبر عزیز ۱۶۱

۱۵. شب زفاف ۱۶۳

فصل ششم: شوهرداری ۱۶۷

۱. کمال مرد ۱۶۹

۲. هماهنگی با نظام هستی ۱۷۰

۳. مشخصات زندگی مشترک مطلوب ۱۷۱

۴. دیکتاتوری مرد و مظلومیت زن ۱۷۱

۵. دیکتاتوری زن بدتر از دیکتاتوری مرد ۱۷۲

۶. فتنه مغول نتیجه زیاده‌خواهی یک زن ۱۷۳

۷. چه باید کرد؟ ۱۷۵

۸. حضرت زهرا(س)؛ اسوه و الگو ۱۷۵

۹. حضرت زهرا(س)؛ عاشق شوهر ۱۷۶

۱۷۶.....	۱۰. قانع و خویشتن‌دار.....
۱۷۷.....	۱۱. بهترین شوهر.....
۱۷۸.....	۱۲. شرافت متقابل.....
۱۷۸.....	۱۳. عاشق پاک‌باز.....
۱۷۹.....	۱۴. فداکاری و جانبازی.....
۱۸۰.....	۱۵. توضیح خاتمیت.....
۱۸۱.....	فصل هفتم: فرزندداری.....
۱۸۳.....	۱. زندگی الهی حضرت زهرا(س).....
۱۸۴.....	۲. معنای صلاه دائم.....
۱۸۵.....	۳. فرزندداری.....
۱۸۶.....	۴. دومین فرزند.....
۱۸۷.....	۵. نام‌گذاری.....
۱۸۷.....	۶. علاقه شدید حضرت زهرا(س) به فرزند.....
۱۸۹.....	۷. زینب کبری.....
۱۹۰.....	۸. واقع‌گرایی نه گزافه‌گویی.....
۱۹۲.....	۹. اسم ظهور مستأست.....
۱۹۳.....	۱۰. ام‌کلثوم.....
۱۹۳.....	۱۱. تفاوت.....
۱۹۵.....	فصل هشتم: مردم‌داری.....
۱۹۷.....	۱. میلیاردها دلار هزینه.....
۱۹۸.....	۲. اسلام؛ دین مردم‌داری.....
۱۹۸.....	۳. چند پیام آسمانی در حل مشکلات مردم.....
۲۰۰.....	۴. مردم خوب، بهتر از عمل خوب.....
۲۰۰.....	۵. دو حدیث عجیب درباره مردم‌داری.....
۲۰۱.....	۶. توجه نظری به مردم.....
۲۰۲.....	۷. توجه عملی به مردم.....

۸. خدامحوری و مردم‌داری ۲۰۴
۹. مردم‌داری در رسالت انبیا ۲۰۴
۱۰. مردم‌داری ظهور لطف خدا ۲۰۸
۱۱. روان‌شناسی انسانی ۲۰۹
۱۲. نمونه‌ای از مردم‌داری حضرت زهرا(س) ۲۱۰
۱۳. حدیثی از صحیفه حضرت زهرا(س) ۲۱۱
۱۴. ایثارگری حضرت زهرا(س) ۲۱۲
۱۵. تفسیر *أَنَا نَظُمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ* ۲۱۶
۱۶. بازگشت به اسلام ۲۱۷
۱۷. کلام آخر ۲۱۸
- فصل نهم: تلخ‌ترین حوادث تاریخی ۲۲۱**
۱. طرح ترور پیامبر ۲۲۶
۲. مسئولیت خطیر عمر در کودتا ۲۲۶
۳. تحلیل امیرالمؤمنین(ع) از کودتای منافقان ۲۲۷
۴. لج‌بازی‌های بی‌پایان ۲۲۸
۵. لج‌بازی از این بیشتر؟ ۲۳۱
۶. اوضاع خاندان وحی ۲۳۱
۷. تلخ‌ترین حوادث تاریخ ۲۳۲
۸. فریادها به جایی نرسید ۲۳۳
۹. یثرب شدیداً فقیر ۲۳۳
۱۰. هجرت پیامبر ۲۳۴
۱۱. صلح حدیبیه ۲۳۴
۱۲. بلائی به‌نام رفاه‌طلبی ۲۳۵
۱۳. فرازی تاریخی ۲۳۶
۱۴. ریشه‌کنی فقر از مدینه ۲۳۸
۱۵. اقدامات بعدی کودتاگران ۲۳۹

۱۶. معنای بیعت..... ۲۳۹
۱۷. بیعت یا پیمان بستن..... ۲۴۰
۱۸. عمر طراح و مجری تهاجم به خانه زهرا(س)..... ۲۴۳
۱۹. سیاه‌نمایی!..... ۲۴۴
۲۰. مهاجمان به بیت وحی در جامعه امروز..... ۲۴۴
۲۱. تلخ‌ترین حوادث تاریخ..... ۲۴۵
- فصل دهم: غصب خلافت..... ۲۴۷**
۱. انکار غدیر!!..... ۲۵۱
۲. در سقیفه چه گذشت؟..... ۲۵۳
۳. موضع امیرالمؤمنین..... ۲۵۴
- ۱.۳. ترس از انحراف عقیده مردم..... ۲۵۴
- ۲.۳. جمع‌آوری قرآن..... ۲۵۵
۴. ارتداد گسترده بعد از ارتحال پیامبر..... ۲۵۷
۵. دوران دشوار..... ۲۵۸
۶. انحراف از اسلام و اعوجاج مسلمانان تا قیامت..... ۲۵۹
۷. بحث طولانی..... ۲۶۱
۸. صبر و همچنان صبر..... ۲۶۳
۹. صبر جمیل امیرالمؤمنین..... ۲۶۴
۱۰. تسلیم عالی‌ترین واژه..... ۲۶۶
۱۱. سُبُعیت بسیاری از خلفای بنی‌عباس کمتر از بنی‌امیه نبود..... ۲۶۶
۱۲. تداوم تجاوزات در طول تاریخ..... ۲۶۷
۱۳. حق با بوش است!!..... ۲۶۸
۱۴. باید تسلیم خدا شد..... ۲۶۸
۱۵. همه تسلیم خدایند..... ۲۶۹
۱۶. گستردگی فوق‌العاده جهان..... ۲۶۹
۱۷. همه چیز تسلیم خداست..... ۲۷۱

۱۸. پایداری و استقامت پیامبر اسلام ۲۷۲
۱۹. معنای صبر جمیل ۲۷۲
۲۰. علت صبر امیرالمؤمنین ۲۷۳
- فصل یازدهم: آتش به جان شمع فتد کاین بنا نهاد** ۲۷۷
۱. ای کاش این گونه بود ۲۷۹
۲. بی اطلاعی و بی عاطفگی ۲۸۵
۳. روزی تلخ و داغ و طولانی ۲۸۶
۴. آتش زدن خانه حضرت زهرا (س) توسط عمر ۲۸۷
- ۱.۴. در منابع اهل سنت ۲۸۷
- ۲.۴. اقرار اهل تسنن ۲۸۹
- ۳.۴. ابوبکر آتش زدن خانه حضرت زهرا (س) را تقیح کرد ۲۹۰
- ۴.۴. عمر خشن تر از همه ۲۹۳
- ۵.۴. پشیمانی ابوبکر برخلاف عمر ۲۹۴
- ۶.۴. تهدید دوباره عمر بر آتش زدن خانه حضرت زهرا (س) ۲۹۴
- ۷.۴. چگونه خانه وحی را آتش زدند؟ ۲۹۵
۵. چگونه مخالفان کودتا را به زانو درآوردند ۲۹۶
۶. سندی مهم از افکار و اعمال عمر ۲۹۸
۷. نامه تاریخی عمر به معاویه ۲۹۹
- فصل دوازدهم: فدک** ۳۱۵
۱. سرزمین فدک ۳۱۸
۲. زندگی یعنی جنگ ۳۲۰
۳. جنگ های طولانی اوس و خزرج ۳۲۱
۴. فدک چیست؟ ۳۲۲
۵. اقدام پیشگیرانه ۳۲۲
۶. اهمیت یافتن خیبر ۳۲۳
۷. تسخیر قلعه های خیبر ۳۲۴

۳۲۹.....	۸. نگاهی دوباره به کارنامه یهود.....
۳۲۹.....	۹. تنبیه بنی قریظه.....
۳۳۰.....	۱.۹. مستندات حکم سعد.....
۳۳۲.....	۲.۹. صحت قضاوت سعد بن معاذ.....
۳۳۳.....	۱۰. موقعیت فدک.....
۳۳۵.....	۱۱. محصول فدک.....
۳۳۵.....	۱۲. درآمد سابق فدک به وجه رایج امروز.....
۳۳۶.....	۱۳. وسعت فدک.....
۳۳۹.....	۱۴. اشکالات.....
۳۴۳.....	۱۵. تسلیم کردن بدون جنگ فدک.....
۳۴۶.....	۱۶. پیروزی های برق آسا.....
۳۴۷.....	۱۷. اهالی فدک چه کردند؟.....
۳۴۸.....	۱۸. فدک متعلق به پیامبر است.....
۳۴۸.....	۱۹. غضب خلافت عامل تداوم فقر و فلاکت.....
۳۵۶.....	۲۰. حدود فدک.....
۳۵۷.....	۲۱. محاکمه کودتاگران.....
۳۵۸.....	۱.۲۱. دلیل برعهده مدعی است.....
۳۶۰.....	۱.۱.۲۱. مطالبات حضرت زهرا(س) از ابوبکر.....
۳۶۱.....	۲.۱.۲۱. ادامه جدال حضرت زهرا(س) با ابوبکر.....
۳۶۱.....	۲.۲۱. نفی میراث پیامبر.....
۳۶۵.....	۳.۲۱. ادای قسم.....
۳۶۵.....	۴.۲۱. تقاضای قاضی از مدعی برای ادای قسم.....
۳۶۶.....	۵.۲۱. قاضی منکر.....
۳۶۷.....	۶.۲۱. پایبند نبودن به سیره پیامبر.....
۳۶۸.....	۷.۲۱. پشیمانی احساسی نه اساسی.....
۳۷۰.....	۸.۲۱. کافی بودن شهادت امیرالمؤمنین بر رسالت پیامبر.....

- ۱۸.۲۱. خُزیمَةُ ذوالشهادتین ۳۷۰
- ۹.۲۱. تضاد و تناقض ۳۷۱
۲۲. آیا می‌ارزید؟ ۳۷۳
- فصل سیزدهم: شهادت ۳۷۵**
۱. تصمیم جدی در کشتن امیرالمؤمنین ۳۷۸
۲. در دادگاه محاکمه کودتاگران ۳۷۹
۳. غصب خلافت و غصب فدک ۳۷۹
۴. عوامل شهادت حضرت زهرا(س) ۳۸۱
۵. مدافعان سرسخت امیرالمؤمنین ۳۸۲
۶. علت شهادت ۳۸۴
۷. حضرت زهرا(س) غریبانۀ جان سپرد ۳۸۵
۸. غصه برای شوهر ۳۸۶
۹. حضرت زهرا(س)؛ صداقت مطلق ۳۸۷
۱۰. استجابت دعای حضرت زهرا(س) ۳۸۷
۱۱. نظر دقیق‌تر درباره تاریخ شهادت حضرت زهرا(س) ۳۸۸
۱۲. دلیل تفاوت تاریخ شهادت ۳۸۹
۱۳. ارتحال مظلومانه حضرت زهرا(س) ۳۹۰
۱۴. مراسم دردآلود دفن ۳۹۱
۱۵. محل دفن ۳۹۳
۱۶. احتمالات در محل قبر ۳۹۵
۱۷. مسئله تابوت ۳۹۶
۱۸. شرکت در مراسم تشییع ۳۹۷
۱۹. ثواب شرکت در نماز میت؟! ۳۹۸
۲۰. نبش قبر کودتاگران در صورت اطلاع ۳۹۹
- فصل چهاردهم: احادیث حضرت زهرا(س) ۴۰۱**
۱. آمادگی برای احیای لیلۀ القدر ۴۰۴

۲. نکوهش بُخل ۴۰۴
۳. دلتنگی و خشم حضرت زهرا(س) از ابوبکر و عمر ۴۰۵
۴. سرانجام کسی که نماز را سبک شمارد ۴۰۵
۵. هنگام ورود به مسجد و خروج از مسجد ۴۰۶
۶. ای کسی که نیاز به توضیح و تفسیر ندارد ۴۰۷
۷. وارثان پیامبران ۴۰۷
۸. روز غدیر خم پایان عذرها ۴۰۸
۹. علی(ع) تفسیر سوره زلزال ۴۰۸
۱۰. حدیث ثقلین ۴۰۹
۱۱. داوری امیرالمؤمنین علیه السلام بین فرشتگان ۴۱۰
۱۲. معصومیت مطلق امیرالمؤمنین(ع) ۴۱۱
۱۳. پیروان امیرالمؤمنین در بهشت ۴۱۱
۱۴. اطلاع کامل از مسائل ۴۱۱
۱۵. اول کسی که به پیامبر واصل می شود ۴۱۲
۱۶. همراهی قرآن و اهل بیت ۴۱۲
۱۷. ساعت مخصوص اجابت دعا ۴۱۳
۱۸. عمل به تکلیف شرعی؛ علامت شیعه ۴۱۳
۱۹. حضرت زهرا(س)؛ مستجاب الدعوه ۴۱۴
۲۰. مقام قرب ۴۱۴
۲۱. عذر بدتر از گناه ۴۱۵
۲۲. معذرت خواهی پرچ ۴۱۵
۲۳. بالاترین مصلحت ۴۱۵
۲۴. بهترین شوهران ۴۱۶
۲۵. درخواست از شوهر به اندازة توانایی ۴۱۶
۲۶. تقسیم کار در خانه ۴۱۶
۲۷. آخرین وصیت ۴۱۷

- ۴۱۷..... لذت ارتباط با خداوند ۲۸
- ۴۱۸..... اهمیت اتفاق در راه خدا ۲۹
- ۴۱۸..... دوستی با امیرالمؤمنین ۳۰
- ۴۱۹..... فصل پانزدهم: اشعار ۳۱
- ۴۲۷..... کتابنامه ۳۲

مقدمه چاپ سوم

أَنْزَلُونَا عَنْ الرَّبِّيَّةِ وَقُولُوا مَا شِئْتُمْ

گفتن درباره بزرگان کاری بی دشوار است. به خصوص نوشتن و به نگارش درآوردن بزرگی‌های افراد بزرگ دشوارتر و مشکل‌تر است. اگر کسی با بضاعت مزجاة و عرفان محدود بخواهد درباره آنان که خداوند سبحان به طهارت دائمی و روحی و جسمی آنها اذعان کرده و به طور دائم به آنها که شاهکار آفرینش هستند، درود و تحیت می‌فرستد و ملائکه را نیز به چنین موضعی واداشته و مؤمنان را نیز به همین کار توصیه کرده است که بگوید و بنویسد؛ معلوم است که حاصل کارش چه خواهد شد. به خصوص برای نویسنده که هیچ‌گاه اهل ادعا نبوده است.

حضرت زهرا محور حدیث کساء

قاعده نگارش عربی تقدم فعل بر فاعل و مفعول در جمله‌های فعلیه است. مثلاً «خَلَقَ اللهُ السَّمَاوَاتِ»^۱ «خَلَقَ» فعل، «الَّهِ» فاعل و «سَمَاوَاتِ» مفعول است؛ اما گاه خداوند سبحان به عمد این قاعده را بر هم می‌زند تا نکته بسیار مهمی را مطرح کند که توجه به آن از رعایت «آیین نگارش» مهم‌تر است:

وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا^۱

خداوند ابراهیم را به آزمایش‌های فراوان و گوناگون آزمود. ابراهیم از همه آن امتحانات سر بلند و پیروز بیرون آمد. خداوند پاداش او را امامت مردم قرار دهد. قاعده این بود که جای فاعل که خداست، در جای ابراهیم که مفعول است، قرار گیرد؛ مثلاً بگوید: **وَإِذْ ابْتَلَىٰ رَبُّ إِبْرَاهِيمَ**؛ اما از آنجایی که در این آیه محور ابراهیم است، پروردگار متعال علاوه بر محوریت در آیه، او را به لحاظ نگارش مقدم بر فاعل قرار داده است تا امروز و بعد از هزاران سال از خود یا از بزرگان پیرسیم یا آنکه خود به تحقیق در روایات و کنکاش در تاریخ پردازیم تا ببینیم چه شد که حضرت ابراهیم که نخست رسول بود، در مقام رسالت بیشترین همت خود را مصروف کرد تا خود که طعم شیرین «بندگی خداوند» را چشیده بود، این لذت را به دیگران هم بچشاند. سپس تلاشی مضاعف داشت پس از آنکه خود از لذت بی نظیر و جان بخش «خدا محوری» بهره‌های کافی و وافی برده بود، جسم و جان جامعه آن روز را از آن شراب شورانگیز و بی مثال بهره‌مند سازد. حضرت ابراهیم در هر دو راه به تلاش‌های خستگی ناپذیر دست زد و از هیچ چیز و هیچ کس نهراسید و جز به خدا بندید. قلب او که مالا مال از عشق خدا شده بود، حتی در سال‌های پایانی عمر که فرزنددار شده بود، حاضر شد تنها فرزندش را در مسیر جلب خداوند قربانی کند...

بی جهت نبود و نیست که پروردگار سبحان ۶۹ بار نام مبارک ابراهیم را در کلام جاودانه خود با احترام آورده است. در جایی او را به تنهایی «امت» خواند آن هم «أُمَّةً قَانِتًا»؛ امت مطیع فرمان خدا. در جایی او را خلیل خود خواند؛ **وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا**^۲. آری خدا ابراهیم خالی از خلل را به دوستی خود انتخاب کرد و سلام همیشگی بر ابراهیم می‌فرستد؛ **سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ**^۳. حضرت زهرا هم محور حدیث کساست.

۱. بقره، آیه ۱۲۴.

۲. نساء، آیه ۱۲۵.

۳. صافات، آیه ۱۰۹.

آنجا جبرئیل از پروردگار می پرسد: «وَمَنْ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟ چه کسی زیر کساءست». «فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ... هُمْ فَاطِمَةُ وَأَبُوهَا وَبَعْلُهَا وَبَنُوها؛ فاطمه و پدرش، فاطمه و شوهرش و فاطمه و فرزندان». گویی، خداوند می خواهد وجود مقدس پیامبر عالی قدر اسلام و امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین علیهما السلام را وابسته به حضرت زهرا معرفی کند؛ یعنی وجود مبارک ائمه اطهار وابسته به وجود حضرت زهراست همچنان که در حدیث قدسی هم آمده که خداوند به پیامبرش فرمود: «لَوْلا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكُمْ»؛ اگر زهراى مرضیه نبود، تو و امیرالمؤمنین را خلق نمی کردم.

وقتی پیامبر اعظم اسلام خود را در آئینه تمام نمای معراج دید، به مسئولیت عظیم خود در حاکمیت توحید بیشتر پی برد.

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا...^۱

منزه است پروردگاری که در یک شب بنده اش را از مسجدالحرام (مکه) به مسجدالاقصی (بیت المقدس) او از آنجا به معراج سیر داد تا آیات خویش را به او بنمایاند.

به راستی، آیات الهی چه بود که پیامبر در آن شب مشاهده کرد؟ به نظر ما مهم ترین عنصر هستی وجود مقدس پیامبر اسلام بوده و هست خداوند برای برنامه ریزی توحیدی خود در جهت حرکت از کثرت به وحدت لازم دانست.

۱. عظمت کاروان سالار توحیدیان را به خود ایشان بنمایاند. در آن شب، پروردگار، معراج را یا بهتر بگوییم همه هستی را به صورت آئینه مناسبی درآورد تا پیامبر رحمت موقعیت خود و حقیقت وجودی خود را در آن آئینه ببیند که چنان شد.

۲. موقعیت امیرالمؤمنین هم که برای پیامبر روشن شده بود. بیش از ۳۰۰ آیه در شأن مولی نازل شده است^۱ که به قول خود امیرالمؤمنین آیه ۴۳ سوره رعد مهم‌ترین این آیات هستند که خداوند می‌فرماید:

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ^۲

کافران می‌گویند که تو پیامبر نیستی. به آن‌ها بگو خداوند که شاید رسالت من است مرا کفایت می‌کند و همچنین کسی که تمامی علم کتاب نزد اوست. برای اثبات هر موضوعی دو شاهد لازم است. در اثبات رسالت پیامبر هم خداوند دو شاهد آورده است. یکی خودش و دیگری امیرالمؤمنین علی (ع). این افتخار نه تنها موجب افتخار پیامبر و امیرالمؤمنین و آبا و ابنای امیرالمؤمنین است، بلکه مایه افتخار تمامی هستی تا روز قیامت است.

۳. درباره مقام و منزلت حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها نیز بحث‌ها و صحبت‌های بسیار است: اولاً؛ آنچه ما و بزرگ‌تر از ما از اول اسلام تا امروز گفته و از این به بعد خواهند گفت، مانند مشاهده عالم از سوراخ سوزن است. اصولاً اظهار نظر خاکیان درباره افلاکیان و ملکبان درباره ملکوتیان شرح معراج برای مورچه است. ثانیاً؛ این گفته‌ها و نوشته‌ها چیزی را به مقام آسمانی حضرت زهرا نمی‌افزاید. ثالثاً؛ مقام قدسی حضرت زهرا ثبوتی است. در شب معراج حقیقت حضرت زهرا بر پیامبر آشکارتر گشت. آنچه پیامبر دیدند، آن بود که خداوند متعال برای حضرت زهرا خواسته بود. خداوند هستی‌بخش می‌فرماید:

مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى^۳

آنچه پیامبر دید سوء تفاهم و توهم نبود.

۱. نک: شب‌های پیشاور، ص ۳۸۶.

۲. رعد، آیه ۴۳.

۳. نجم، آیه ۱۷.

اهل غلو نیستیم

به راستی، پیامبر اسلام در شب معراج چه دیدند که خداوند می فرماید آنچه پیامبر دید، حقیقتی شورانگیز بود. اصولاً اهل غلو نیستیم. غلات را خارج از دین می دانیم و دشمن می داریم. آن ها بودند که سهم بسیاری در مظلومیت اهل البیت داشتند. درباره ائمه اطهار چیزی را می گویم که خداوند درباره آن ها فرموده است یا خود درباره خودشان فرموده اند. اما امیرالمؤمنین می فرماید:

أَنْزَلُونِي عَنْ الرَّبُّوبِيَّةِ وَقُولُوا مَا شِئْتُمْ؛

مرا خدا ندانید آنگاه هر چه می خواهید درباره من بگویید.

پس پیامبر در آن شب آنچه مشاهده کردند، برخلاف تصور زشت بعضی ها، وجود حضرت حق نبود. خداوند می فرماید: لَا تَذَرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ؛^۱ هیچ چشمی قدرت درک او را ندارد. و خود در پاسخ موسی که مشتاق مشاهده بود، فرمود: لَنْ تَرَانِي؛^۲ مرا هرگز نخواهی دید.

همه می دانیم که لن «نقی ابد» است؛ یعنی نه حضرت موسی و نه کوچک تر از موسی و نه بزرگ تر از موسی هرگز خداوند را نخواهند دید. اصولاً وجود اقدس پروردگار سبحان بالاتر و فوق العاده تر از آن است که در دید محدود و مادی نگر ما بگنجد. از نظر علمی هم چیزی قابل مشاهده است که در یک مقطع زمانی و در یک نقطه مکانی باشد. خداوند که خالق زمان و مکان و محیط بر آن هاست، هرگز در این محدودیت ها قرار نمی گیرد. بنابراین، آنچه پیامبر در آن شب مقام دخترشان حضرت زهرا بود که یک عمر با نهایت تواضع و احترام ویژه با ایشان برخورد می کرد. جالب است اشاره کنیم که پیامبر خود فرموده اند در شب معراج که پیامبر به مقام دست نیافتنی

۱. انعام، آیه ۱۰۳.

۲. اعراف، آیه ۱۴۳.

«إِلَى رَبِّكَ مُنتَهَاهَا»^۱ دست یافتند، مقامی که تا آن شب هیچ مخلوقی به آن نرسیده بود، حتی جبرئیل امین با آن همه سابقه و یژه که در بارگاه الهی داشت، از حرکت بازماند و وقتی پیامبر برای معرفت بیشتر جبرئیل به مقام خود و به امر «رَبُّ الْاَرْباب» ادامه همراهی وی با خود را خواستار شد، جبرئیل گفت:

لَوْ دَنَوْتُ أَنْفَلَةً لَأَخْتَرَفْتُ؛ اگر پیش تر آیم، خواهم سوخت.

گفت جبرئیل: بپر اندر پیم گفت رو رو من حریف تو نیم
گر سر مویی از این برتر پرم خود فروغ قهر می سوزد پرم

در اینجا بود که خداوند سبحان پیامبر رحمت خود را مخاطب ساخت و فرمود:

لَوْلَا كَيْ لَمَا خَلَقْتُ الْاَفْلَاكُ؛

اگر تو نبودی کاینات را خلق نمی کردم.

پیامبر می فرماید: به شکرانه این مقام عظیم به سجده افتادم و خدای را سپاس گفتم. به محض سر برداشتن از سجده خداوند فرمود: لَوْلَا عَلٰی كَيْ لَمَا خَلَقْتُكَ؛ اگر علی امیرالمؤمنین نبود، تو را نمی آفریدم.

پیامبر به شکرانه مقام پسرعم و خلیفه خود به سجده افتاد. بلافاصله و به مجرد آنکه سر از سجده برداشت، خداوند فرمود: لَوْلَا فَاطِمَةُ كَيْ لَمَا خَلَقْتُكُمْ؛

شرح بیشتر آن معارف و این دلدادگی اثرگذار و حرکت خیز در سیر خدامحوری را در متن کتاب ملاحظه می فرمایید.

۱. نازعات، آیه ۴۴.

۲. نک: فصل چهارم همین کتاب به نقل از کتب معتبر اهل تسنن و الجنة العاصمة از میرجهانی ص ۴۸ و ملتقى البحرين، ص ۱۴ و علامه نمازی شاهرودی در مستدرک سفينة البحار.

چاپ سوم کتاب از عرش تا عرش که مدت متمادی لزوم آن احساس می‌شد و متقاضی بسیار داشت، اینک در اختیار شما عزیزان و ولایت‌مداران است. منتظر دیدگاه‌های کارشناسانه شمایم.

تهران. علی محمد بشارتی

۹۰/۶/۲۳

www.ketab.ir

مقدمه چاپ دوم

به پای لاله کیدامین شهید مدفون است

که از لحد به دور افتاده گوشه کفنش

زودتر از آنچه تصور می‌شد، چاپ اول کتاب / از عرش تا عرش نایاب شد و سریع‌تر از آنچه پیش‌بینی می‌کردیم، به چاپ دوم آن ناگزیر شدیم. علت آن را فقط در موضوع کتاب و در تناسب زمان انتشار آن می‌دانیم که ایام فاطمیه بود.

با حفظ نظر فوق، تشنگی و نیاز جامعه به مسائلی را که جنبه معرفتی به ائمه اطهار عموماً و شخص حضرت زهرا(س) به‌خصوص دارد، از همین موضوع هم می‌توان پی برد. مردم ما به هر میزان که از دانش و آگاهی برخوردار باشند، تلاش آن‌ها برای بیشتر فهمیدن و بهتر مطلع شدن هرگز متوقف نمی‌شود. به‌خصوص اگر مطالب علمی با روشی نو و با سبکی متناسب با فضای جامعه امروز باشد.

اگر بخش اعظم بازدیدکنندگان از نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران را که در اردیبهشت هر سال برگزار می‌شود، تماشاجی فرض کنیم، باز هم مشاهده می‌کنیم که بخش جالب توجهی از مردم، دنبال معرفت و فهم بیشتر هستند. همان‌هایی که در هنگام خارج شدن از غرفه‌ها، حاصل تلاش محققان را بر دست و دوش حمل می‌کنند. این البته درخور توجه بسیار است.

درباره حضرت زهرا(س) هر چه بگوئیم، کم گفته‌ایم؛ چون مقام حضرت زهرا(س) فراتر از فهم و درک افراد عادی است؛ اما جالب است اضافه کنیم به‌رغم این نکته که عام و خاص نقل کرده‌اند، رفتار ایشان تماماً برای همه زنان عالم اسوه و سرمشق می‌تواند باشد. توجه ویژه به پدر و احترام همیشگی به مقام رسالت بسیار عمیق و چشمگیر بود و نشان از معرفت فراوان صدیقه طاهره می‌باشد.

حضرت زهرا(س)، در شوهرداری نیز سنگ تمام گذاشتند. این بُعد از زندگی سیده نساء درخور توجه به‌یاری است. وقتی شب‌پرستان و دیوسیرتان، کانون وحی را به آتش کشیدند و حضرت زهرا(س) را مضروب و مجروح ساختند، به قول صلاح‌الدین شافعی متوفای سال ۷۶۲ هجری که می‌نویسد: عمر در روز بیعت چنان به شکم فاطمه(س) کوبید که محسن از شکم او بر زمین افتاد.^۱ ... به‌رغم جراحت سخت و صدمات فراوان باز هم از زمین برخاستند و برای حفظ شوهرشان و رهایی ایشان از دست دشمنان، به دنبال امیرالمؤمنین رفتند و حضرت را به منزل باز گرداندند...

در فرزندداری نیز نمونه و اسوه‌اند. ما برای اجتناب از تطویل کلام از ذکر نمونه‌ها خودداری می‌کنیم؛ اما در رأس تمامی اعمال و افکار حضرت زهرا(س) خداخواهی و خدامحوری و خدا دوستی است. نباید تصور کنیم که دختر پیامبر بودن به تنهایی برای رشد و تعالی و رسیدن به مقام بالای معنویت و معرفت کافی است. بسیاری از فرزندان و همسران پیامبران را می‌شناسیم که دچار خبط و خطا شدند و از کاروان تقوا و حتی انسانیت بازماندند. حضرت زهرا(س) تمامی تلاش و مساعی خود را برای جلب رب‌الارباب به‌کار گرفتند که خداوند درباره ایشان فرمود:

وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا^۲

۱. الوافی بالوفیات، ج ۵، ص ۳۴۷.

۲. انسان، آیه ۹.

غذای خود را در اوضاعی که به آن نیاز داشتند، در راه خداوند به نیازمند و یتیم و گرفتار می‌دادند و می‌گفتند ما این کار را صرفاً برای خدا و جلب رضای او انجام می‌دهیم و در مقابل، توقع هیچ پاداش و حتی تشکر هم از شما نداریم.

سوره انسان نمایشگاهی عظیم از فرهنگ خدامحوری اهل بیت است. اتفاقاً محور آن ماجرای شورانگیز که موجب نزول آن سوره با آن آیات شگفت‌انگیز که دربردارنده سپاس همه‌جانبه خدای هستی‌بخش است، حضرت زهرا(س) است. همین ویژگی‌های فوق‌العاده است که پیامبر فرمودند:

مَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ مَقَامَهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ.

از خداوند سبحان مسئلت داریم که معرفت ما را به مقام حضرت زهرا(س) افزون‌تر فرماید.

تهران: علی محمد بشارتی

۲/۹/۸۴

www.ketab.ir

پیشگفتار

۱. حضرت زهرا (س)؛ میزان خشم و خرسندی خداوند

به طور قطع، در تاریخ بشر و تا قبل از ظهور اسلام، کسی را سراغ نداریم که تمامی افکار و اعمال او را پروردگار سبحان تأیید و حمایت کرده باشد. حتی انبیای عظام و پیامبران اولوالعزم الهی هم از این قاعده مستثنی نیستند.

اصولاً خصلت‌ها و صفاتی که انسان‌ها به آن مشهور می‌شوند، دو دسته‌اند؛ دسته‌ای، صفات و القاب و عناوین قراردادی است که مردم به افراد و اشخاص می‌دهند. این گونه صفات، ناپایدار و اغلب بی‌مبنا و به بیان بهتر، اعتباری است. دسته دیگر، صفات و القاب و عناوین غیرقراردادی است و مردم هیچ نقشی در آن ندارند. این القاب یا خصلت‌ها، پایدار، ماندگار و اساسی است؛ زیرا خدای اصولی و اصول‌گرا، چنین لطفی به آن‌ها کرده و آن‌ها را با چنان صفاتی ستوده است؛ مثلاً حضرت ابراهیم، «خلیل» است. خلیل یعنی کسی که خالی از خلل است. یوسف، «صدیق» است؛ چون در قول و فعل، صادق و درستکار است. اسماعیل، «صادق‌الوعد» است. موسی، «کلیم‌الله» است. پیداست که لقب خلیل به حضرت ابراهیم، صدیق به حضرت یوسف، صادق‌الوعد به اسماعیل و کلیم به حضرت موسی را خداوند عطا کرده است.

پروردگار سبحان، اخلاق نیکوی پیامبر عظیم‌الشان اسلام را بارها ستوده است؛ آنجا که می‌فرماید:

إِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ^۱ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنفَضُّوا مِن حَوْلِكَ^۲ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ^۳

دلپذیرترین و شورانگیزترین تعبیر خداوند، درباره اخلاق بزرگوارانه و زیبایی پیامبر، به این شکل ظهور یافته است:

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ^۴

تحقیقاً، پیامبری از خودتان برای شما فرستادیم. او کسی است که مشکلات شما، او را رنج می‌دهد. به شما بسیار علاقه‌مند است و به مؤمنان، دلسوز و مهربان است. پیامبری که خداوند او را این گونه حمایت و تأیید می‌کند، موجب فخر است. ایشان به دلیل مهربانی‌های مثال‌زدنی، تقدیر می‌شوند. این صفات زیبا در پیامبر نهاده شده است. بنابراین، خداوند پیامبر را برای همیشه، اسوه و الگو قرار می‌دهد و می‌فرماید:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ^۵

تحقیقاً، پیامبر اسلام بهترین پیشوا و رفتار ایشان بهترین سرمشق برای شما مسلمانان است.

أسوه‌بودن پیامبر، دلیل محکمی بر خاتمیت ایشان است و این گونه است اخلاق و رفتار و اعمال همه ائمه طاهرين، برای آن‌ها که حق‌مدار و حق‌خواه‌اند. خداوند درباره امیرالمؤمنین هم می‌فرماید:

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ^۶

۱. قلم، آیه ۴.

۲. آل عمران، آیه ۱۵۹.

۳. انبیاء، آیه ۱۰۷.

۴. توبه، آیه ۱۲۸.

۵. احزاب، آیه ۲۱.

۶. مانند، آیه ۵۵.

ولّی و سرپرست شما، خدا و رسول اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ آنان که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع، زکات می‌دهند.

اکثر علما و مفسران شیعه و بسیاری از محققان اهل سنت می‌گویند این آیه در شأن امیرالمؤمنین نازل شده است؛ زمانی که ایشان، در حال نماز و در هنگام رکوع، انگشتی خود را به فقری بخشیدند.^۱

۲. میزان خشم و خرسندی خدا

خداوند سبحان، حضرت زهرا(س) را، به دلیل صفات متعدد ستوده است. اسامی حضرت زهرا(س) که همگی از جانب خداوند متعال نازل شده است و همه القاب ایشان، از تأیید همه آداب، عادت‌ها، خصلت‌ها، حرکت‌ها، اندیشه‌ها، خط‌مشی‌ها و دیدگاه‌های حضرت زهرا(س) حکایت می‌کند. مجموعه خصوصیات حضرت زهرا(س)، از ایشان انسانی والا و فوق‌العاده ساخته است که هیچ بانویی، قبل و بعد از اسلام، به پای ایشان نرسیده است و نخواهد رسید.

پیامبر رحمت و رسول محبت و نبی مودت که بسیار تحت تأثیر مهربانی‌های بی‌حد و اندازه حضرت زهرا(س) قرار گرفته بودند، ایشان را «أُمُّ آيِبَهَا» لقب دادند؛ یعنی مادر پدرش. آیا این لقب با توجه به میزان محبت فوق‌العاده ایشان به پدرشان بوده است؟

به راستی، مقام حضرت زهرا(س) دست‌نیافتنی و فوق‌العاده است. به دور از تعصب و خارج از احساسات و ملاحظات عاطفی، منزلت ایشان، در پیشگاه پروردگار سبحان، بسیار ارجمند و از دیدگاهی، منحصر به فرد است. اگر لحظه‌ای بیشتر، به کلام آسمانی پیامبر آسمانی اسلام بیندیشیم، تا حدی به والایی و بزرگی حضرت زهرا(س) پی می‌بریم و درمی‌یابیم که حضرت زهرا(س)، میزان خشم و خرسندی خداست. این مقام،

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۴، به نقل از معتبرترین کتب اهل سنت مانند تفسیر طبری و ابن حجر عسقلانی و تفسیر الدر المنثور و سبطین جوزی در تذکره الخواص.

از هر زاویه‌ای که نگریسته شود، فوق‌العاده در فوق‌العاده است؛ چراکه افراد وزین و پارسا، در تداوم جدّ و جهد در مسیر الهی و رعایت تقوا و خلوص، به تدریج به مقام قرب و لقاءالله می‌رسند و این اوج و شکوه دلبستگی به خداوند، با رعایت همه ملاحظات است. اما این‌گونه نیست که انسان مؤمن و پارسا، با جدّ و جهد، حتی نه با تحصیل که از راه حصول، می‌تواند به مقام «میزان» برسد و خشم و خرسندی او، ملاک و میزان خشم و خرسندی خدا باشد؛ چون تفاوت فراوانی است بین امام و مأموم. نمی‌توان شخصی که افکار و اعمال او را خدا تأیید می‌کند با فردی مقایسه کرد که افکار و اعمال او منشأ و ملاک خداوند در همه امور خلقت است و جز حضرت زهرا(س)، چنین شخصیتی نمی‌شناسیم.

کرده خدا با صدای قلب تو تنظیم گردش افلاک و روزگار سراسر

قدر و ارزش او را خداوند به‌خوبی می‌داند:

به دامن دست کس که جلوه عشق

ترا به بام فلک برد و نردبان برداشت

۳. بزرگ‌ترین عیب؛ نداشتن معرفت

افراد اندکی، حضرت زهرا(س) را این‌گونه می‌شناسند. حتی نویسنده که به ساحت مقدس زهرا(س) صادقانه عشق می‌ورزد و سال‌هاست که با این مبانی آشنایی نسبی دارد، به عمق این مسائل پی نبرده است و نخواهد برد. شناخت و عرفان به ماهیت هر شخص و هر چیز، لزوماً از راه تحصیل به دست نمی‌آید. از آنجاکه حصول هم، از دسترس ما دور است، جز اذعان به نداشتن معرفت به مسائل عالی عرفانی، چاره‌ای نداریم؛ اما باید اقرار کنیم که عشق‌ورزیدن به ساحت مقدس حضرت زهرا(س)، اصولاً، موجب معرفت نسبی می‌گردد که از راه تحصیل، هرگز دست‌یافتنی نیست. رایحه دلپذیر و شاعرانه عشق‌ورزیدن به حضرت زهرا(س)، پاسخ دل‌نشین و شورانگیز صدیقه طاهره به علاقه‌مندان و ارادتمندان خود است. این شمیم دل‌نواز و این نسیم

روح‌بخش و این عشق آسمانی را فقط کسانی درک می‌کنند که همه عشق خود را به پای بانوی بانوان عالم، صدیقه کبری، فاطمه زهرا(س)، ریخته‌اند، به او می‌اندیشند و قلب و روح و جان خود را از آن جان مطلق، محظوظ و مشحون کرده باشند. پیامبر رحمت، چنان رابطه‌ای با زهرای مرضیه داشتند که نه تنها قلم از نگارش آن عاجز است، بلکه پای خیال و ادراک هم به آن نمی‌رسد که فرمودند:

فاطمة بضعة منی و ثمرة فؤادی و قرّة عینی و هی روحی الّتی بین جنّی؛

فاطمه پاره تن من، حاصل قلب من، نور دیده من و روح من است....

به نظر می‌رسد که پیامبر می‌خواهند، بیش از این‌ها درباره زهرا(س) بفرمایند؛ اما کلمات قاصرند. یقیناً، حضرت زهرا(س) به دلیل مهربانی صیرف، به این لقب مفتخر نشدند. دلایل دیگری دارد که به آن‌ها اشاره خواهم کرد. قول و فعل و سکوت پیامبر اسلام که قول و فعل و سکوت خداست:

«ما ینطق عن الهوی ان هو الا وخی یوحی»^۱

درباره حضرت زهرا(س) می‌فرمایند:

«ان الله یغضب لغضب فاطمة و یرضی لرضاها»^۲

خداوند با خشم زهرا(س)، خشمگین و با رضایت زهرا(س)، راضی می‌شود؛ یعنی حضرت زهرا(س)، میزان خشم و خرسندی خدایند.

۴. منع نقل احادیث پیامبر اسلام(ص)

یکی از خطاهای نابخشودنی شیخین که در جهت قدرت بلامنازع آن‌ها صورت گرفت، جلوگیری از انتشار احادیث پیامبر بود. عمر، پس از استقرار ابوبکر بر اریکه قدرت و آرام شدن امور و از دور خارج کردن رقیبان، به تدریج، به اعوجاج فکری و اخلاقی دچار شد. اسراف مالی و به قدرت‌رساندن عناصر مشکوک و سایر اقدامات ناصحیح او،

۱. نجم، آیه ۳ و ۴.

۲. حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۱۵۴؛ سبط بن جوزی، تذکرةالخواص، ص ۱۷۵.

این بار، با مقاومت بعضی صحابه روبه‌رو شد. اصحاب پیامبر، با نقل قول‌های رسول خدا، به تقبیح اعمال شیخین می‌پرداختند و کارهای آن‌ها را خلاف سنت رسول رحمت می‌دانستند. نخستین واکنش‌های ابوبکر و عمر، تندخویی، بدزبانی، تهدید و تطمیع بود. به تدریج که مخالفت‌ها سازمان می‌یافت و نیمه‌منسجم می‌شد، به اقدام گستاخانه و کفرآمیزی دست زدند که در تاریخ اسلام، مشکلات بسیاری را به بار آورد که به آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

۵. پاک کردن صورت مسئله

شیخین، به جای تصحیح اعمال و رفتار خود و قانع کردن اصحاب، به فکر چاره‌جویی افتادند. آن‌ها، در ادامه مبارزه با اصحاب پیامبر، در بخش‌نامه‌ای، نقل حدیث از پیامبر را، درباره هر موضوعی، منع کردند. در این راستا، به قدری سببیت به خرج دادند که بی‌سابقه بود. آن دو، در راستای اهداف زشت خود، بزرگان صحابه را زندانی کردند، آن‌ها را از مسئولیت خلع نمودند یا زمینه مسئولیت آن‌ها را از بین بردند، حقوق آن‌ها از بیت‌المال را کاهش دادند و در پاره‌ای از مواقع، به کلی قطع کردند.

بدتر از همه این‌ها، وقتی با منع نقل حدیث، مردم را تشنه شنیدن حدیث دیدند، گروهی از عمال خود را واداشتند تا به نقالی و قصه‌گویی بپردازند. این نقالی‌ها که موجب پدید آمدن خرافات شد، به اسرائیلیات هم مشهور است. آن‌ها گفتند فقط حاکمان و امیران حق فتوا دارند؛ بنابراین، پیداست که فقط احادیثی که در جهت تقویت غاصبان بود، منتشر می‌شد و چون هیچ نقل قولی از پیامبر در حمایت از آن‌ها نبود و اصولاً چون هیچ‌گونه فضیلتی جز خشونت و نفاق در آن‌ها وجود نداشت، دروغ‌پردازی در اسلام آغاز شد و بر روی حقایق حدیثی پرده جهالت کشیده شد و تحریف و خرافات به عنوان حدیث نبوی؟! در اسلام آغاز گشت.^۱

۱. امینی، عبدالحسین، التذیر، ج ۸، ص ۱۶۶، مرتضی عاملی، سیدجعفر، الصحيح من سيرة النبي، ج ۱، ص ۳۰ به

۶. خانه‌نشین شدن علم

بحث تحریم نقل حدیث به همین جا ختم نمی‌شود. وقتی که باب علم بسته شود، درهای تفسیر، فقه، اصول، فلسفه، نجوم، ریاضیات، حکمت، طب و همه علوم بسته می‌گردد؛ دانشمندان منزوی می‌شوند، مباحثه متروک می‌شود و اصولاً این‌گونه موضوعات، تدریجاً، به دست فراموشی سپرده می‌شود. وقتی امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب را خانه‌نشین کردند، به همراه ایشان، همه فضایل و معارف خانه‌نشین شد. مگر پیامبر فرمودند:

أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلَى بَابِهَا فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ^۱

من شهر علم هستم و علی (ع) دروازه این شهر است؛ پس هر کس طالب علم است، از راه آن (از طریق حضرت علی) وارد شود. همچنین امیرالمؤمنین فرمودند:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ عَلَّمَنِي أَلْفَ بَابٍ وَ كُلُّ بَابٍ مِنْهَا يَفْتَحُ أَلْفَ بَابٍ فَذَلِكَ أَلْفَ أَلْفَ بَابٍ حَتَّى عَلِمْتُ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ عِلْمُ الْمَنِيَا وَ الْبَلَايَا وَ فَصْلُ الْخِطَابِ^۲

پیامبر اسلام، به من هزار باب علم آموخت که از هر باب آن هزار هزار (یک میلیون) باب بر من گشوده شد تا اینکه از تمامی رخدادهایی که تا روز قیامت روی می‌دهد، آگاهی یافتم و دانش بلایا و منایا و همچنین تمامی زبان‌ها و لهجه‌ها را فهمیدم.

۷. نهاده‌نشدن اسلام در میان مسلمانان

ده سال پس از هجرت، همراه با جنگ‌ها، درگیری‌ها، فتنه‌ها و مبارزه دائمی و شبانه‌روزی با مشکلات گذشت. سایه شوم جنگ، لحظه‌ای از مدینه و از حکومت

نقل از حسین بن علی امام ارزش‌ها، ص ۱۴۵.

۱. قندوزی، سلیمان، ینابیع المودة، باب ۱۴؛ گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایة الطالب، باب ۵۸؛ عسقلانی، ابن حجر، الصواعق المحرقة.

۲. شیرازی، سلطان‌الواعظین، شبهای پیشاور، ص ۹۲۴ نقل از کتب اهل سنت.

اسلامی دور نشد و خطر جنگ، به طور دائم، مدینه را تهدید می کرد. پیامبر عزیز، در آخرین روزهای زندگی، ارتش را مجهز کردند و مسلمانان را برای جنگیدن با روم اخلا لگر و جنگ افروز، آماده ساختند و فرماندهی را به «أسامة بن زید» سپردند. سران و بزرگان متمرّد، بیماری پیامبر را بهانه قرار دادند و از همراهی با سپاه خودداری نمودند. جمعی، در اقدامی ناصواب، به بهانه جوان بودن فرمانده سپاه، پیوستن به این سپاه را دون شأن خود دانستند و مدینه را ترک نکردند.^۱ فرمانده سپاه نیز، پس از چند روز توقف در «نخلیه»، به مدینه بازگشت. او به رغم اعتراض به کودتاگران، با ترفند آنها تطمیع شد و ابتدا با ابوبکر، سپس با عمر و پس از آن، با عثمان بیعت نمود. جالب اینکه، اسامه، پس از مرگ عثمان و اقبال و استقبال گسترده مردم برای بیعت با جانشین راستین پیامبر، از بیعت با امیر المؤمنین اجتناب ورزید...

این سرگذشت فرزندی که خوانده پیامبر است. هدف از نگارش این فرازهای تاریخی، توضیح این مسئله مهم است که نفاق دائمی بعضی از مسلمانان، فرصت خودسازی و تعالی و تعمیق اندیشه های اسلامی و اعتقادات الهی را از افراد بسیاری ربود. اسلام در آنها نهادینه نشد و غبارهای عهد جاهلیت، از قلب بسیاری از آنها زدوده نگشت.

۸. کشورگشایی های سیاسی

کودتاگران برای آنکه به ضد کودتا دچار نشوند، بزرگان صحابه را به کاری غیر از سیاست و ادار ساختن تا به تدریج، از دخالت در امور سیاسی خودداری کنند. در ادامه تدبیر سیاست زدایی، بحث کشورگشایی را مطرح کردند و از همان آغاز، به نواحی اطراف و مناطق دور و نزدیک، لشکرکشی کردند. این جنگ های طولانی و دائمی به دو منظور صورت گرفت:

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۹۰.

۱. اصحاب باسابقه و باتدبیر و محبوب پیامبر را از مدینه دور کنند تا به عصب خلافت و کشتن حضرت زهرا(س) اعتراض نکنند.

۲. با کشورگشایی، کفایت خود را به رخ رقیبان و مخالفان بکشند و خود را باصلاحیت معرفی کنند.

این احتمال بسیار ضعیف است که آن‌ها با خیرخواهی و به قصد قربت و به منظور مسلمان کردن مردم اطراف، کشورگشایی کرده باشند. چگونه ممکن است افرادی بخواهند با خودداری از پیوستن به سپاه اسامه،^۱ توهین به پیامبر در هنگام وفات^۲ و مهم‌تر و تلخ‌تر از آن‌ها، با آتش زدن خانه حضرت زهرا(س) و مضروب نمودن سیده نساء و کشتن محسن^۳، ادعای دین‌داری و ترویج دین نمایند؟ شهید مطهری در این باره می‌گوید:

«بهتر، این بود که شتاب نمی‌شد و به فتوحات پرداخته نمی‌شد. صبر می‌کردند، به‌طور طبیعی اسلام از دیوارها نفوذ کند. اثر این شتاب‌زدگی، همین شکاف‌ها و اختلاف‌هایی است که هست. پیامبر هم اصلاً وصیت نکرد که بعد از من فتوحات کنید. با آنکه انواع وصیت‌ها کرد. در ذائقه‌ها، فتوحات شیرین است؛ اما معلوم نیست عقل آن را تأیید کند. هیچ معلوم نیست که علی(ع) اگر خلیفه می‌شد، این فتوحات را تصویب می‌کرد. همان‌طوری که بعد از حکومت به اصلاح داخل پرداخت. به‌علاوه، همین فتوحات، منشأ فساد اخلاق اعراب شد؛ پس این عجله، از طرفی جامعه‌ای نامتجانس درست کرد و از طرفی، جنس اعراب را فاسد کرد»^۴.

آری، جنس اعراب عوض شد و خط‌مشی مسلمانان که باید مجاهدت و ایثار و پرهیزکاری باشد، به کلی تغییر یافت. تلاش هدایت‌شده عمومی که از پایتخت اسلام، یعنی مدینه، رهبری می‌شد، بر مخالفت جدی با اهل بیت استوار بود. به‌راستی، وقتی

۱. پیامبر فرموده بودند: لَعَنَ اللَّهُ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْ جَيْشِ اسَافَةِ.

۲. سیط بن جوزی، تذکره الخواص، ص ۳۶.

۳. بلاذری، احمد بن یحی، أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۵۷؛ عسقلانی، ابن حجر، لسان المیزان، ج ۵، ص ۱۷۷؛ صفدی، صلاح‌الدین، الوافی بالوفیات، ج ۵، ص ۳۴۷.

۴. مجموعه آثار شهید مرتضی مطهری، ج ۱۷، ص ۴۳۲.

اهل بیت مظهر همه خوبی‌ها باشند و به خوبی‌ها سفارش کنند، مخالفت با آن‌ها، جز ضدیت با خوبی‌ها چه مفهومی دارد؟ در دعای جامعه کبیره، از قول امام هادی (ع) و خطاب به اهل بیت، می‌خوانیم:

كَلَامُكُمْ نُورٌ وَ أَمْرُكُمْ رُشْدٌ وَ وَصِيَّتُكُمْ التَّقْوَى وَ فِعْلُكُمْ الْخَيْرُ وَ عَادَتُكُمْ الْإِحْسَانُ
وَ سَجِيَّتُكُمْ الْكَرَمُ وَ شَأْنُكُمْ الْحَقُّ وَ الصَّدَقُ وَ الرِّفْقُ وَ قَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَ خَتَمٌ وَ رَأْيُكُمْ
عِلْمٌ وَ حِلْمٌ وَ حَزْمٌ إِنَّ ذِكْرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوَّلَهُ وَ أَصْلَهُ وَ قَرَعَهُ وَ مَغْدِنَهُ وَ مَأْوِيَهُ وَ
مُنْتَهَاهُ...^۱

سخنان شما روشنگر، امور شما یکپارچه و خوشبختی‌زا، توصیه‌های شما پرهیزکاری، کارهای شما نیک، عادت شما نیکی، شیوه شما بزرگواری و بخشندگی، رفتار شما حق و راستی و مدارا، گفتارشان قاطع و حتمی است و دیدگاه شما بر علم و درعین حال، بر بردباری و دوراندیشی منطبق است. اگر سخنی نیکو باشد، شما اول و ریشه و شاخه و مرکز و جایگاه و پایان آن هستید...

با این موضع معصومان و با این شناخت، مخالفت و مبارزه با آن‌ها، نه تنها ناپسندتر از مبارزه با اسلام و خداست، بلکه مبارزه با همه اموری است که خداوند، انسان‌ها را به انجام دادن آن‌ها توصیه کرده یا از آن باز داشته است. آثار کوتاه مدت مخالفت با اهل بیت مشخص شد که شکستن حریم وحی، زیرپا نهادن دستورات خداوند، هجوم به خانه حضرت زهرا (س)، مجروح و مضروب کردن «و دیعۀ الله»، کشتن محسن و خانه نشین کردن وصی پیامبر بود. آثار میان مدت، قدرت گرفتن نفاق و احیای شرک نوین و کفر جدید و جان گرفتن مخالفان اسلام بود و آثار دراز مدت، حاکمیت یافتن دشمنان قسم خورده اسلام، با اندیشه ریشه کن نمودن اسلام و مسلمانی بود.^۲

تحلیل دقیق کودتا را امیرالمؤمنین، در سخنانی معروف به خطبه شقیقیه، مطرح کردند. از آنجا که این تحلیل را در کتاب میهمان آسمانی آورده‌ام، از تکرار آن خودداری می‌کنم. آثار زیان‌بار کودتا در میان مدت، به صورت مشکلات دائمی و فراوان بروز کرد.

۱. قمی، عباس، مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

۲. میهمان آسمانی، ص ۴۸.

جنگ جمل که سه نفر از برخاستگان همان تفکر؛ یعنی طلحه و زبیر و عایشه آن را برپا کرده بودند، ۱۲ هزار نفر از مسلمانان را به کشتن داد. جنگ صفین که عنصر دیگری از نزدیکان شیخین یعنی معاویه، آن را بر امیرالمؤمنین تحمیل کرد، ۴۵ هزار نفر کشته به همراه داشت و در جنگ نهروان که گروهی گمراه‌تر، آن را صورت داده بودند، ۱۰ هزار نفر کشته شدند. آیا از حمله به کانون وحی و مضروب کردن حضرت زهرا(س)، ثمر دیگری جز این، انتظار می‌رفت؟

علمای اهل سنت نوشته‌اند: **إِنَّ عُمَرَ ضَرَبَ بَطْنَ فَاطِمَةَ يَوْمَ الْبَيْعَةِ حَتَّى أَلْقَتِ الْمُحْسَنُ مِنْ بَطْنِهَا^۱**، عمر، در روز بیعت (روز کودتا)، چنان به شکم حضرت زهرا(س) کوبید که محسن سقط شد.

آیا عمر، با حمله به خانه وحی و کشتن محسن، قصد قربت داشت و می‌خواست اسلام را ترویج کند؟ هیچ عقل سلیم و هیچ مسلمان و حتی هیچ انسانی، چنین نظری ندارد. آن‌ها با آتش زدن خانه وحی، قصد داشتند از اسلام و اهل بیت انتقام بگیرند، نه چیز دیگر. به‌راستی، اگر پیامبر زنده بود، چه موضعی در برابر این اقدام شرارت‌آمیز آن‌ها می‌گرفت؟ و با کسی که خانه وحی را به آتش کشید و آن همه، به خاندان پیامبر اسائه ادب نمود، چه کار می‌کرد؟ بهتر است پاسخ این سؤال را از زبان علمای اهل سنت بشنویم. ابن ابی‌الحدید معتزلی، از قول استاد خود می‌نویسد:

لَوْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ حَيًّا لَأَبَاحَ دَمَ مَنْ رَوَعَ فَاطِمَةَ حَتَّى أَلْقَتْ دَابَطْنَهَا^۲

اگر پیامبر زنده بود، خون کسی را که به فاطمه(س) حمله کرد (عمر) و موجب سقط جنین وی شد، می‌ریخت و او را به جرم این جنایت می‌کشت.

همان‌گونه که بیان شد، کودتاگران هرگز نمی‌توانند ادعا کنند که با حمله به کانون وحی و کشتن حضرت زهرا(س)، قصد خدمت به اسلام و مسلمانان داشته‌اند. معلوم است

۱. نظام معتزلی (ابراهیم بن سیار بن هانی بصری)، صفدی، صلاح‌الدین، الوافی بالوفیات به نقل از شب‌های پیشاور، ص ۵۱۹.

۲. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۳۵۱.

نماییم و خلاصه، باید پا را جای پای امام بگذاریم تا خود را مطیع راستین و پیرو واقعی و شیعه بدانیم.

۱۰. اهداف کتاب

کتاب *از عرش تا عرش*، تاریخ تحلیلی زندگی حضرت زهرا(س) است. اگرچه فصل‌هایی از این کتاب به مسائل شخصی حضرت زهرا(س) اشاره دارد، عمده‌ترین هدف تألیف کتاب، توجه بیشتر به مقاومت‌های مثال‌زدنی حضرت زهرا(س) در پاسداری از ارزش‌هاست.

برای ارائه الگویی عملی و روشی اجرایی از افکار و اعمال و اندیشه‌های حضرت زهرا(س) که دختری بی‌گونه، همسری فوق‌العاده، مادری آسمانی و زنی بزرگ و برجسته یا بهتر بگوییم، بزرگ‌ترین و برجسته‌ترین زن عالم است، تلاش فراوان کرده‌ام. ادعا نمی‌کنم که در این کتاب، به کشف بزرگی نائل شده یا به کار فوق‌العاده‌ای دست زده‌ام؛ اما عشق و ارادت دیرپا و اعتقاد من به ساحت مقدس مادرم، سرانجام، با عنایت ویژه این مادر آسمانی، به تهیه این کتاب انجامید. در فصل‌فصل کتاب و سطر سطر مطالب، عنایت‌های خاص حضرت زهرا(س) محسوس بوده است. اکنون، اهل معنا و معرفت، به‌خوبی می‌توانند حاصل آن‌همه عنایت را ملاحظه کنند.

نکته درخور توجه دیگر اینکه به‌رغم تلاش مذبوحانه کودتاگران در منع حدیث، احادیث نبوی جمع‌آوری شد و در حفظ آن‌ها، در طول تاریخ، دقت فراوانی صورت گرفت. از جمله اینکه بیشتر مستندات این کتاب، از منابع اهل سنت گردآوری شده است. این هم از مسائل بسیار مهم آفرینش است که منکران ولایت، معتقدان بالقوه ولایت‌اند! **وَمَا تَشَاوُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ.**

کتاب حاضر، حاصل سال‌های متمادی و طولانی، مطالعه و تحقیق درباره تاریخ صدر اسلام است. محصول این مطالعات، تاکنون به‌صورت چند کتاب، به ارادتمندان بیت وحی، محققان، دانشمندان و علاقه‌مندان تقدیم شده است. کتاب ولایت سرخ،

درباره حضرت سیدالشهداء (ع) و میهمان آسمانی، در تشریح زندگی امام رضا (ع)، از آن جمله‌اند. پیش از آن‌ها، کتاب *از ظهور اسلام تا سقوط بغداد*، منتشر و تاکنون دوبار چاپ شده است و در آستانه چاپ سوم است؛ اما کتاب *از عرش تا عرش*، با همه آن‌ها متفاوت است. این تفاوت، نه در نشر و نه در محتواست؛ بلکه در مآخذ و مستندات است. از آنجایی که توجه جدی در تحلیل زندگی حضرت زهرا (س)، عمدتاً به وقایع پس از ارتحال پیامبر اسلام محدود می‌شود، تقریباً همه مستندات این کتاب درباره تحلیل ۹۵ روز حیات همراه با درد و رنج حضرت زهرا (س)، از منابع اهل سنت است؛ بنابراین چنانچه عده‌ای از ناآشنایان، از محتوای تند کتاب ایراد بگیرند، اشکال گرفتن از نویسنده نیست؛ بلکه ایراد گرفتن از کتب دانشمندان عامه یا بهتر بگوییم، از تاریخ (!) و حوادث تاریخی (!) است. به قول شاعر:

آینه چون نقش تو بنمود راست خود شکن، آینه شکستن خطاست

این هم از کرامات اهل بیت محسوب می‌شود که به‌رغم تمهیدات کودتاگران برای جلوگیری از ترویج فرهنگ اهل بیت که با قانون منع حدیث آغاز شد، منابع اهل سنت پُر است از مطالب عمیق و ارزنده و شایسته توجه، درباره عصمت اهل بیت و آلودگی مخالفان آن‌ها.

۱۱. ویژگی‌های کتاب

هیچ گفته و نوشته‌ای درباره حضرت زهرا (س)، خالی از نقص و عیب نیست. کتاب حاضر هم از این قاعده مستثنا نمی‌باشد. بسیار تلاش کردم تا کتابی جامع‌تر و پرمحتواتر، درباره حضرت زهرا (س) بنویسم؛ اما بضاعت کم و مهم‌تر از آن، ادعای کمتر اینجانب، مانع این کار شد. در این کتاب، جای بحث‌های مهمی مانند بررسی «حدیث کسا»، تفسیر «خطبه فدکیه»، پرداختن به حدیث «أُمُّ ابیها»، توجه دادن به «صحیفه فاطمه»، تفسیر «کوثر»، دلیل حرمت ازدواج امیرالمؤمنین در بود حضرت

زهر(اس) و علت نام برده نشدن حورالعین در سوره «هل اتی» و... بسیار خالی است؛ البته نپرداختن به این مباحث، نقص کتاب است؛ ولی عیب آن نیست.

درعین حال، در این کتاب به مباحثی مانند فدک، توجه بسیار دقیقی شده است. ازجمله، با توجه به درآمد سالانه فدک که بنا بر بعضی از روایات صحیح، ۲۴ هزار تا ۷۰ هزار دینار بوده است،^۱ درآمد متوسط سالانه آن را ۵۰ هزار دینار در نظر گرفته ایم. این میزان به وجه رایج امروز، حدود یک میلیارد تومان می شود.^۲ با محاسبات دقیق فنی و علمی، وسعت فدک را حدود ده هکتار به دست آورده ایم.^۳ این محاسبات، نخستین بار است که منتشر می شود. تا آنجا که تحقیق کرده ام، در هیچ کدام از منابع، اعم از فارسی و عربی و لاتین، چنین بحثی وجود ندارد. با توجه به وسعت فدک و درآمد جالب توجه آن، تصمیم قطعی کودتاگران برای غضب فدک با جعل حدیث «لا تُورث»، معنای جدیدی پیدا می کند. محروم کردن اهل بیت، از درآمد فدک و بستن دست انفاق و ایشار آن بزرگواران و خلاصه، خلوت شدن اطرافیان ولایت، اهداف کودتاگران بوده است و اعتراض حضرت زهر(اس) و اصرار و ابرام ایشان برای گرفتن فدک، از این جهت شایسته توجه بسیار است...

حضرت زهر(اس) با عمل خود، به ما آموختند که همواره باید صاحب ولایت را محور، مرجع، و مصدر امور بدانیم و در حفظ مولا، جان خود را در طبق اخلاص گذاشته، فدای ولایت کنیم، نه آنکه با خواسته های فراوان و تقاضاهای متعدد و دردسرساز، مولا را آزرده سازیم.

۱. نک: مصباح المنیر؛ مجمع البحرین؛ معجم البلدان؛ سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۵۱.

۲. همین کتاب، ۳۲۴.

۳. فصل فدک همین کتاب، ۳۲۶.

از خداوند سبحان می‌خواهیم ما را در شناخت ولایت، بیش‌ازپیش موفق بدارد و توفیقمان دهد تا با نثار مال و جان و فکر خود، پاسدار ارزش‌های والای ولایت باشیم. ان شاء الله.

علی محمد بشارتی

تهران، جمعه، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۳

مطابق با ۱۷ ربیع‌الاول ۱۴۲۵، میلاد مسعود

پیامبر عظیم‌الشان اسلام

www.ketab.ir